

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۵؛ ص ۲۹-۱

چرایی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی و تأثیر آن در پذیرش قطعنامه ۵۹۸

رضا شاهقلیان قهفرخی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات دفاعی و استراتژیک دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(دریافت: ۹۵/۰۹/۰۱، پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۰)

چکیده

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۰ تیرماه ۱۳۶۶، به اتفاق آراء به تصویب رسید و جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، به طور رسمی آن را پذیرفت و مدتی پس از آن نیز، آتش‌بس رسمی بین دو کشور در حال جنگ با نظارت مأموران سازمان ملل برقرار شد. هدف از تهیه این مقاله پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش با موضوع «چرایی و چگونگی پایان جنگ و تأثیر آن در پذیرش قطعنامه ۵۹۸» توسط بنیان‌گذار و معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد. با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به سؤال‌های اصلی و فرعی، در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های نظری-کاربردی قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. با تجزیه و تحلیل پرسش این مقاله، پاسخ روشنی برای آن داده شد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که اولاً چرایی و چگونگی پایان جنگ به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولان آن روز کشور مقابل روی امام (ره) گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه ادامه دهد و دوماً تصمیمی که خود ایشان بعد از پذیرش قطعنامه اعلام می‌دارد و آن این است که می‌فرمایند: در شرایط کنونی آنچه موجب این امر شد تکلیف الهی‌ام بود.

کلید واژه‌ها: قطعنامه ۵۹۸، جنگ تحمیلی، پایان جنگ.

مقدمه

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی، بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) ثمرات ارزشمندی از جمله استحکام ریشه‌های انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان را در پی داشت. بر همین اساس هشت سال دفاع مقدس ملت ایران نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ اسلام نیز موضوعی مهم به شمار می‌رود. این جنگ که در نهایت به ذلت رژیم‌های فاسد و استعمال‌گر و فرو افتادن پرده از چهره تزویرشان انجامید، در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تجاوز رژیم عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران شروع شد و در روز ۲۹ مرداد ماه سال ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران به پایان رسید. اینکه چرا جنگ ایران و عراق شروع شد، پاسخ روشنی دارد که در بیانات معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) که در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۵ در جمع فارغ‌التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ایراد فرمودند به خوبی قابل درک است:

«... من هیچ خوفی از جنگ ندارم و شما هم ندارید و ملت ما هم ندارد، لکن... باید تذکر بدهم این است [که نقشه‌های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام، مقصد اصیل این است که اینها چون از اسلام سیلی خورده‌اند و با قدرت... اکبر آن‌ها را از ایران بیرون کرده‌اند و دست چپاولگرها را کوتاه کرده‌اند. لهذا، دشمن اصلی [برای آن‌ها]، اسلام است... منتهی با یک نقشه حساب شده دارند پیشروی می‌کنند» (صحیفه امام (ره)، جلد ۱۳، ۱۳۷۸: ۳۴۵).

به رغم این سخنان روشن‌گر و باور عمیق ملت به این سخنان امام و فداکاری همه جانبه در طول دوران دفاع مقدس بودند. جریانی تلاش می‌کرد تا در پایان جنگ، در خصوص دستاوردهای دفاع هشت ساله ملت ایران تردید کند که امام خمینی (ره) همچون دیدبانی هوشیار، با قاطعیت به آن تردیدها پاسخ کوبنده و دندان‌شکن می‌داد. دلیل تجاوز عراق به خاک ایران چنان روشن بود که در طول سالیان بسیار هرگز چرایی جنگ توسط تحلیل‌گران غربی مورد پرسش قرار نگرفت؛ به خوبی آشکار بود که به دنبال از دست رفتن محمدرضا پهلوی یکی از متحدان اصلی آمریکا در غرب آسیا و وقوع انقلاب اسلامی، دلهره صدور انقلاب اسلامی، چنان ابرقدرت‌های شرق و غرب را فرا گرفته بود که دست به تحریک و سپس پشتیبانی عراق برای شروع جنگ را زدند و برای سالیان طولانی و با دادن انواع جنگ افزارهای پیشرفته این حمایت‌ها را ادامه دادند.

اما پایان جنگ بر خلاف شروع آن نقد و نظرهای متفاوتی را به همراه داشت. درست در شرایطی که انتظار نمی‌رفت، ایران قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد و در این زمان بود که برخی از مقرضان با اسرار بر این جمله امام که از پذیرش قطعنامه به «نوشیدن جام زهر» تعبیر کرده بودند، تلاش نمودند تا امام را فردی جنگ طلب معرفی کنند، برخی دیگر نیز پذیرش قطعنامه را دلیل ضعف و ناامیدی

ایران در مقابل پیروزی‌های به‌دست آمده عراق در آن زمان دانستند و عده‌ای نیز آن را یک ترفند سیاسی موقت دیدند.

جنگ ایران و عراق به دو صورت، یا به روش سیاسی و یا با پیروزی نظامی باید به سرانجام می‌رسید. قطعنامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ یعنی زمانی که ایران به لحاظ نظامی بر عراق برتری داشت به تصویب رسید اما بین تصویب تا پذیرش آن یک سال وقفه افتاد، یعنی زمانی که برتری ایران به لحاظ نظامی، به دلیل کارشکنی و عدم حمایت برخی از مسئولان از جبهه‌های نبرد رو به افول گذاشته بود. آیا به واقع پذیرش قطعنامه از موضع ضعف بود یا دیدگاه و استراتژی امام خمینی (ره) که هشت سال بی وقفه رزمندگان را با خطابه‌های عاشورایی به دفاع و جهاد ترغیب می‌کردند به ناگهان تغییر یافته بود. چه اتفاقی افتاد که به فاصله سه ماه پس از خطابه: «امروز عاشورا است، حسین‌یان آماده باشید، نه‌راسید، روز مقاومت است. درنگ امروز فردای اسارت باری را به دنبال دارد، به جبهه‌ها هجوم ببرید تا ضربات شما توان و امان دشمن را بگیرد...» (غضنفری، ۱۳۹۱: ۱۲)، به ناگهان امام «جام زهر» را می‌نوشد؟ آیا به واقع آن همه عزم و توانی که رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس، با وجود تحریم‌ها و با کمترین امکانات، از خود نشان داده بودند به یک باره فروکش کرده و مدیران سیاسی، اقتصادی و نظامی را به این نتیجه رسانده بود که همانند جنگ تحمیلی، صلح تحمیلی را باید پذیرفت؟

بیان مسئله

یکی از مشکل‌های مهم در عصر امروز، عدم درک صحیح از چرایی و چگونگی پایان جنگ هشت ساله دفاع مقدس می‌باشد که این مشکل، پرسش‌های زیادی را در ذهن مخاطبان ایجاد کرده است. پایان جنگ بر خلاف شروع آن نقد و نظرهای متفاوتی را به همراه داشت. درست در شرایطی که انتظار نمی‌رفت، ایران قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد و در این زمان بود که برخی از مقرضان با اسرار بر این جمله امام که از پذیرش قطعنامه به «نوشیدن جام زهر» تعبیر کرده بودند، تلاش نمودند تا امام را فردی جنگ طلب معرفی کنند، برخی دیگر نیز پذیرش قطعنامه را دلیل ضعف و ناامیدی ایران در مقابل پیروزی‌های به‌دست آمده عراق در آن زمان دانستند و عده‌ای نیز آن را یک ترفند سیاسی موقت دیدند. با توجه به چاپ کتاب‌ها و نوشتن مقاله‌های مختلف، اما هنوز بحث‌های زیادی در مورد قبول قطعنامه ۵۹۸ مطرح است که باید برای دانشجویان و کسانی که خواهان رسیدن به پاسخ برای این پرسش‌ها هستند، روشن شود. دغدغه محقق از این پژوهش این است که پاسخ‌های مناسبی پیرامون اینکه «چرا جنگ پایان یافت؟ چگونه جنگ پایان یافت؟» و تأثیر آن‌ها را در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای خواننده عنوان نماید تا با پاسخ به این پرسش‌ها قسمت‌های

تاریکی از فهم پایان جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸ برای مخاطب و پژوهشگران و نیز دانشجویان و محققان این موضوع روشن شود.

هدف از تحقیق

هدف از تهیه این مقاله پاسخ به برخی پرسش‌ها پیرامون مسائل پایان جنگ و تأثیر آن بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط بنیان‌گذار و معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد که با رجوع به مستندات و واقعیت‌های آشکار و پنهان و با گردآوری اظهار نظرها و عملکرد افرادی که در این دوران از حیات سیاسی، نظامی و اجتماعی برخوردار بوده‌اند، بتوان خواننده را به کشف واقعیت‌ها برساند، اگر چه ممکن است همانند همه مسائلی که شامل مرور زمان می‌شود، این اظهارات دارای نقاط تاریکی هم باشد اما به طور مسلم روشنی این مستندات به قدری هست که گوشه‌های تاریک این تاریخ را روشن نماید.

پرسش‌های تحقیق

الف: پرسش اصلی

چرایی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی چه بوده و چه تأثیری در قبول قطعنامه داشته است؟

ب: پرسش فرعی

سیر قبول قطعنامه ۵۹۸ چگونه می‌باشد؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش توصیفی - تحلیلی عبارت است از اینکه محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱). روش و ابزار گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد. در این روش از چندین کتاب و مجله تخصصی استفاده شده که توانسته است به خوبی هدف از این پژوهش را روشن نماید. در ضمن استفاده از منابع دست اول یعنی سخنان حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و همچنین دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران مختلف ذی‌ربط مورد استناد و بررسی قرار گرفته است.

ادبیات نظری تحقیق

۱- مفهوم شناسی

جنگ: حالت زدوخورد مسلحانه عمدی میان کشورها، ملت‌ها یا گروه‌های دشمنی (صدی، ۱۳۸۹: ۴۴۴) و یا مترادف با واژه نبرد، حرب، پیکار، زدوخورد، جدال، مبارزه، رزم (رستمی، ۱۳۷۸: ۳۲۹) آورده شده است.

پایان جنگ: برخی پایان جنگ را با صلح برابر می‌دانند، این در حالی است که جنگ در اشکال مختلفی پایان می‌پذیرد. پایان جنگ نشانه توقف آن است، نه حل منازعه. یکی از پذیرفته‌ترین ایده‌های مربوط به پایان جنگ این است که بیشتر جنگ‌ها با قرارداد صلح پایان می‌یابند (Berenice, 1969: 4). بنا به گفته میخائیل هندل، پایان جنگ برای صلح شرط لازم است، نه شرط کافی (Handel, 1982: 42) طبق گفته سینگر و اسمال، منظور از پایان جنگ پاره‌ای از وقایع حقوقی و نظامی با تأکید بیشتر بر عوامل نظامی است، یعنی مادامی که عملیات نظامی ادامه داشته باشد، جنگ نیز ادامه دارد (Singer et al., 1989: 66). محققان دیگری، مانند آلبرت می‌گویند که تجربه ما در امور اجتماعی تصورمان از پایان جنگ را نیز شکل می‌دهد؛ بنابراین، تحولات مربوط به جنگ از جمله توقف موقت و آتش‌بس همانند کنوانسیون‌ها و ازدواج‌ها از امور عادی و عناصر قابل انتظار روابط اجتماعی است. برخی از این تجربه‌ها با پایان جنگ و برخی دیگر با ادامه آن تناسب دارد. در استراتژی مبتنی بر عقلانیت، بر پایه همین تعریف از پایان جنگ، کشورها اغلب نیروی نظامی را بدین دلیل به کار می‌برند که فکر می‌کنند اقدامات دیپلماتیک و سیاسی برای رسیدن به مقاصد و اهداف کارساز نیست. مفروض چنین استراتژی‌ای این است که هدف، پیروزی و رسیدن به چیزی است، و نه صرفاً صلح. این چیز معمولاً به شکل سیاسی بیان می‌شود (Staudenmaier, 1980: 228). به گفته الکساندر جرج، برقراری صلح هنگامی که یکی از دو طرف کاملاً شکست خورده باشد، بسیار ساده‌تر از زمانی است که جنگ به بن‌بست نظامی کشیده شود. وقتی جنگ به بن‌بست نظامی برسد، معمولاً تنها از طریق مذاکره حل و فصل می‌شود. اگر جنگ به مذاکره کشیده شود، شاید دو طرف بدون توافق در مورد موضوعات مورد اختلاف، برای پایان خصومت مسلحانه به توافق برسند. همچنین، ممکن است دو طرف جنگ حل مسائل مورد اختلاف را به تأخیر بیندازند یا از طریق کمیسیون بین‌المللی موردی، اقدام کنند. اجرای موافقتنامه صلح نیز معمولاً ابهام دارد؛ زیرا امکان تفسیرهای مختلف را پدید می‌آورد (Graig et al., 1980: 225). در این مورد، کلمن فیلیپسون در سال ۱۹۱۶ چهار نوع پایان جنگ را نام برده است. نخست، صرفاً با پایان مخاصمات؛ دوم، از طریق فتح یا انضمام؛ سوم، از طریق قرارداد وی نوع؛ چهارمی را هم نام می‌برد و آن زمانی

است که یکی از دو طرف به صورت یک جانبه جنگ را پایان دهد. از نظر وی، پایان جنگ بدین صورت بسیار نادر است؛ از این رو، جنگ داخلی تنها موردی است که وی نام می‌برد. جولیس استون از محققان اخیر نیز، افزون بر انواع ذکر شده، نوع پنجمی از پایان جنگ را عنوان می‌کند. این نوع از پایان جنگ Armistice یا Truce است که بدون هیچگونه قراردادی راه را برای صلح هموار می‌کند. Armistice از برخی نظرها به عنوان جایگزین قراردادهای قدیم به کار می‌رود. به گفته سوکولو، در حقوق بین‌الملل معاصر، Truce، نه تنها قطع عملیات نظامی بلکه خاتمه جنگ را نیز باعث می‌شود (Berrenice, 1969: 4). به اعتقاد هرمن خان، جنگ را به اشکال آتش‌بس، Truce و آتش‌بس مشروط پایان می‌گیرد (Khan, 1970: 133-172). کوئسی رایت نیز چهار نوع پایان جنگ را تعریف می‌کند. (۱) آتش‌بس یا توقف برخورد مسلحانه، (۲) ترک مخاصمه، (۳) تسلیم یا کاپیتولاسیون و (۴) تسلیم بدون قید و شرط یا پیروزی کامل. طبقه‌بندی دیگری هم وجود دارد که نه بر اساس اقدام برای پایان جنگ، بلکه بر اساس اقدام جمعی یک طرف و پذیرش منفعلانه طرف مقابل صورت می‌گیرد. این نوع را پایان جنگ از طریق اقدام مشترک می‌نامند. در نتیجه چنین اقدام مشترکی، جنگ، با این روش‌ها پایان می‌گیرد. (۱) قرارداد صلح، (۲) ختم مخاصمه آتش، توقف موقت دو جانبه خصومت و (۳) اعلامیه مشترک، موافقتنامه شفاهی. همچنین جنگ می‌تواند به دنبال اقدام یک جانبه و پذیرش منفعلانه طرف مقابل تمام شود. نتیجه چنین اقدامی نیز به صورت‌های مختلف امکان‌پذیر است؛ (۱) اعلان یک جانبه، (۲) تسلیم کامل یا بی قید و شرط، (۳) عقب نشینی، (۴) فتح به صورت تدریجی، (۵) فروپاشی حکومت، (۶) اخراج یا قلع و قمع و (۷) آمیزه‌ای از اشکال ذکر شده (Witmann, 1997: 743).

۲- مواضع و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره جنگ تحمیلی و پذیرش صلح

ایشان از همان ابتدای شروع جنگ، تأکید بر دفع تجاوز دشمن داشته، خواهان در اولویت قرار دادن این مسئله توسط مردم و مسئولان شده و هر ساله دوباره آن را متذکر می‌شدند. به عنوان نمونه در پیام ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ می‌فرمایند:

«جنگ دفاعی در رأس امور است» (صحیفه امام، جلد ۱۷، ۱۳۷۸: ۳۲۲).

برخی از دیگر مواضع امام (ره) عبارتند از سخنرانی ۲۱ خرداد ۱۳۶۲:

«امروز هم در رأس تمام مسائل مان جنگ است. اگر یک روز غفلت کنیم حمله خواهند کرد بر ما و همه چیز ما را از بین خواهند برد... اگر بعضی از منحرفین و منافقین بین مردم بیوفتند و بگویند که جنگ را تمام کنیم، شما هم قبول کنید، ... بدانید که اسلام در خطر کفر است. اگر چنانچه امروز ما یک کلمه عقب نشینی کنیم، اگر ملت ما یک قدم سستی به خودش راه بدهد و عقب

نشینی کند، نوامیسیش، اموالش، جان‌های جوان‌هایش همه‌اش به باد خواهد رفت» (صحیفه امام، جلد ۱۷، ۱۳۷۸: ۴۹۷).

ایشان در دهم تیر ماه ۱۳۶۳ می‌فرمایند: «آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آن‌ها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست» (صحیفه امام، جلد ۱۸، ۱۳۷۸: ۵۰۰) و نیز ایشان در پیام ۱۸ اسفند ۱۳۶۳ می‌فرمایند: «اینان ندیده‌اند که مادران و پدران شجاع ایران، فرزندان و نور چشمان خود را از زیر خروارها خاک بیرون می‌کشند و فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» سر می‌دهند و از دست‌اندرکاران مقابله به مثل و از سلحشوران جبهه‌ها ادامه جنگ را طلب می‌کنند؟ درود خدا بر این ملت شجاع و مؤمن که جان می‌دهد و تن به سازش و تسلیم نمی‌دهد» (صحیفه امام، جلد ۱۹، ۱۳۷۸: ۱۷۸).

و همچنین ایشان در پیام اول فروردین سال ۱۳۶۴ می‌فرمایند: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم و این کسی که تعدی به ما کرده است، تودهنی به او بزنیم و تا این قضیه را دنیا قبول نکند، این جنگ هست و جنگ از طرف آن‌ها هست، از طرف ما نیست» (اردستانی، ۱۳۹۰: ۲۴۳). آقای هاشمی رفسنجانی نیز در یادداشت روز ۱۵ فروردین ۱۳۶۴ خود می‌نویسد: «آخوی محمد (هاشمی) بعد از دیدار عمومی امام آمد و گفت که امام در اظهاراتش بر مقاومت و ادامه جنگ تأکید کرده‌اند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷: ۵۵). آقای هاشمی رفسنجانی همچنین در یادداشت چهارم فروردین ۱۳۶۵ می‌نویسد: «به زیارت امام رفتیم. ملاقات رسمی بود... امام مفصل صحبت کردند و مخالفان جنگ را مورد ملامت قرار دادند و تشویق به جبهه رفتن کردند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۳۶).

امام (ره) در پیام ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ خطاب به زائران حج ابراهیمی نیز صلح با صدام را از بزرگ‌ترین گناهان و واضح‌ترین خیانت‌ها به مسلمین دانسته، می‌فرمایند: «سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ، چه معنی دارد؟... کیست که نداند صلح با این حزب، به رسمیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می‌کند؟ و کیست که نداند این امر از بزرگ‌ترین گناهان است و از واضح‌ترین خیانت‌ها به مسلمین است» (صحیفه امام، جلد ۲۰، ۱۳۷۸: ۸۸).

آقای محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه پاسداران) نیز در این رابطه می‌گوید: «آقای هاشمی اوایل خرداد ماه ۱۳۶۷ به کرمانشاه آمدند و گفتند که ما سران قوا خدمت امام رسیدیم و امام نظرات ما را برای ادامه آتش‌بس نپذیرفت و گفت که باید به جنگ ادامه بدهید. ما گفتیم که پول نداریم؛ امام فرمودند که از مردم مالیات بگیرید. گفتیم ارز نداریم، گفتند که خودتان برای آن فکری بکنید. گفتیم مردم به جبهه نمی‌آیند، گفتند که دستور جهاد خواهم داد» (خجسته رحیمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

سردار علایی نیز همین واقعه را اینگونه نقل می‌کند: «آقای هاشمی به فرمانده سپاه گفتند: به امام گفتم که ارتش عراق در حال بازپس‌گیری بعضی مواضعی است که از او گرفته‌ایم و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، ممکن است حتی ارتش عراق از مرزها عبور کند و بخش‌هایی از کشور را اشغال کند. امام فرمودند طرح‌تان چیست؟ گفتیم جنگ را با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تمام کنیم. امام فرمودند نه، ما باید جنگ را ادامه دهیم» (علایی، ۱۳۹۰، روزنامه جمهوری اسلامی).

امام خمینی (ره) حتی دو هفته قبل از پذیرش قطعنامه نیز هر گونه تردید در ادامه جنگ را خیانت به اسلام و رسول... (ص) تعبیر کردند و قاطعانه خواستار ادامه مقاومت بودند. ایشان در پیام ۱۳ تیر ۱۳۶۷ می‌فرمایند: «باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم. مسئولان نظام باید تمامی هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم. باید همه برای جنگی تمام عیار علیه آمریکا و اذنباش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول... (ص) است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم» (صحیفه امام، جلد ۲۱، ۱۳۷۸، ۶۹). همان‌گونه که ملاحظه شد، امام خمینی (ره) تا چند روز پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز همچنان معتقد به ادامه جنگ برای تنبیه متجاوز و اجتناب از پذیرش صلح تحمیلی بودند و این عقیده هیچ‌گاه در ایشان سست نشد.

۳- مواضع رئیس‌جمهور وقت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای درباره جنگ تحمیلی و

پذیرش صلح

در کنار مواضع امام خمینی (ره)، به برخی مواضع اعلام شده مقام معظم رهبری که در آن زمان در پست ریاست جمهوری قرار داشتند، اشاره می‌شود. ایشان در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ در ملاقات با فرستاده ویژه امارات متحده عربی می‌فرمایند: «اگر کسانی بخواهند صلح غیر عادلانه را به ما تحمیل کنند، مورد قبول ما نخواهد بود. زیرا ما صلح تحمیلی را هم مثل جنگ تحمیلی ناگوار و غیر قابل تحمل می‌دانیم. اگر متجاوز مجازات نشود، ریشه تجاوز در منطقه برچیده نخواهد شد» (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در نماز جمعه مورخ ۲۹ تیر ۱۳۶۳ می‌فرمایند: «ما در جنگ از صدام نخواهیم گذشت. اگر خیال می‌کنند که با گذشت زمان و با فشارهای تبلیغاتی خواهند توانست ما را از جرایم سنگینی که این رژیم مرتکب شده، به غفلت بکشانند، خیال خامی است. ما در مورد

جنگ، از مجازات صدام به هیچ وجه صرف نظر نخواهیم کرد. این شرطی است که از اول تا کنون گفته‌ایم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۱۹۳). ایشان همچنین در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۵ در مصاحبه با واحد مرکزی خبر اظهار می‌دارند: «جنگ ما از آغاز به صورت دفاع شروع شد و تا این ساعت هم در حال دفاع هستیم؛ حتی ورود ما به خاک عراق، در ادامه دفاع مقدس ماست» (انصاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۴).

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در مصاحبه با خبرنگار مجله آلمانی اشپیگل نیز در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۶۵ اظهار می‌دارند: «اگر ما امروز به یک پایان ناعادلانه جنگ تن در دهیم، انقلاب ما بی محتوا و بی مفهوم خواهد بود؛ زیرا که انقلاب اساساً برای ایجاد عدل است» (انصاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۲۶). ایشان در خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ آبان ۱۳۶۵ نیز در پاسخ به اظهارات ریگان (رئیس جمهور آمریکا) می‌فرمایند: «شما خود با تحریک عراق و کمک به رژیم بعث، این رژیم را به تجاوز به ایران ترغیب کردید. اما حالا که جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که حق خود را خواهد گرفت و متجاوز را عقب زده است، شما مایلید ایران را به صلح و آتش بس راضی کنید. من در اینجا از طرف امام و شما امت حزب‌ا... اعلام می‌کنم که این جنگ جز با پیروزی رزمندگان ما پایان نخواهد یافت» (حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۲۸۹).

ایشان همچنین در نماز جمعه ۵ فروردین ۱۳۶۷ تأکید می‌کنند: «ملت، دولت و مسئولان کشور ما تحمیلاتی که از سوی مجامع بین‌المللی می‌خواهند به ملت مظلوم ایران اسلامی شود را به هیچ وجه قبول نخواهند کرد» (حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۷۴۹). مقام معظم رهبری همچنین در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۸ می‌فرمایند: «همه دنیا باید بدانند که رژیم عراق بر خلاف ادعاهای صلح طلبی، فقط به دنبال یک آتش بس بود تا خودش را بتواند نجات دهد. این حرفی بود که در طول چند سال گذشته بارها در همین جایگاه مقدس نماز جمعه گفتیم. آن وقتی که او می‌گفت ما صلح می‌خواهیم؛ دنیا به ما می‌گفت شما چرا قبول نمی‌کنید؟ ما می‌گفتیم اینها صلح نمی‌خواهند. اینها به دنبال آتش بس‌اند؛ برای اینکه بتوانند خودشان را نجات بدهند. این موضوع حالا ثابت شد» (غضنفری، ۱۳۹۲: ۴۳).

۴- چرایی پذیرش قطعنامه از نظر آقای هاشمی رفسنجانی و تقابل با راهبرد

جنگی امام خمینی (ره)

آقای هاشمی رفسنجانی که که در آن هنگام فرمانده جنگ و جانشین فرماندهی کل قوا بود، درباره پذیرش قطعنامه چنین می‌گوید: «دو سه عامل شد که قطعنامه را بپذیریم. اولاً نیروهای ما انصافاً قدری خسته بودند. چند عملیات ناتمام انجام داده و به اهداف نرسیده بودند. حامیان صدام حسین

هم او را به امکانات خطرناک مسلح کرده بودند... چند عملیات موفق هم بعضی‌ها داشتند که بر اثر خستگی نیروهای ما و ابزار پیشرفته خودشان اتفاق افتاده بود... آمریکا هم وارد جنگ شد. سکوهای نفتی ما را هم منهدم کرد... هلی‌کوپترهای ما را هم زدند، یکی از ناوچه‌های خوب ما و یک کشتی بزرگ قدیمی را دو نیم کردند. ایرباس مسافری ما را هم در آن مقطع سرنگون کردند. درست کارهای صدام را انجام می‌دادند. پس در جنگ با آمریکا مواجه شدیم. سیاست قطع منابع مالی را پیش می‌بردند و ما هم مصمم بودیم جلوی آن‌ها را بگیریم. روز به روز مسئله داغ‌تر می‌شد. تا آن لحظه، امام، ما و رزمندگان آماده پذیرش آتش بس نبودیم» (حیدری، ۱۳۸۷: ۹۲). آقای هاشمی در جای دیگر اظهار می‌دارد: «شرایط پیش آمده در ماه‌های اول سال ۱۳۶۷، حضور نیروهای داوطلب در جبهه را کم کرده بود و در مذاکرات ستادی، معمولاً فرماندهان از کمی نیرو ابراز ناراحتی می‌کردند و در مواردی با اعلان آماده بودن طرح عملیات، به خاطر کمی نیرو اقدام به عملیات نمی‌کردند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۲۰).

آقای هاشمی در ملاقات ۲۷ خرداد ۱۳۶۷ با امام خمینی (ره) نیز به ایشان می‌گوید: «مردم به جبهه نمی‌آیند.» امام خمینی (ره) نیز با اشاره به گزارش مسئولان سیاسی می‌فرمایند: «مسئولان سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی به‌دست نمی‌آید، شوق رفتن به جبهه در آن‌ها کم شده است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۵۷۹).

آقای هاشمی در جای دیگر دلایل پذیرش قطعنامه را به گونه دیگر روایت می‌کند: «دولت میرحسین موسوی در آن مقطع اعلام کرد دیگر قادر به تدارک مالی نیست؛ از لحاظ ابزار جنگ هم آقا محسن رضایی نامه‌ای به امام نوشت و تجهیزات متعددی از جمله چند صد هواپیما و تعداد زیادی توپ و تانک خواست... مجموعه این عوامل ما را به این نتیجه رساند که ادامه جنگ بیش از آن درست نیست» (روزی طلب، ۱۳۸۹: ۲). وی در جایی دیگر می‌گوید: «ما و امام (ره) به این نتیجه رسیدیم که دنیا نمی‌گذارد ایران با یک عملیات سرنوشت‌ساز، تکلیف جنگ را یکسره کند. دیدیم از آن به بعد، برای مردم ایران و عراق بسیار گران تمام می‌شود؛ زیرا جنگ به سمت استفاده از موشک و سلاح‌های شیمیایی رفته بود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۲۵).

آقای هاشمی در یادداشت ۲۳ تیر ۱۳۶۷ خود نیز می‌نویسد: «قبلاً نخست وزیر و وزیر دارایی در گزارشی به خدمت امام گفته بودند که حتی در سطح هزینه‌های موجود هم، کشور قدرت تأمین هزینه‌های جنگ را ندارد و از خط قرمز اقتصادی هم فراتر رفته‌ایم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۱۸) و بالاخره ایشان در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۸۵ اظهار می‌دارد: «وضع اقتصادی ما بد شده بود و

دنیا تصمیم گرفته بود بدون مقررات جنگ، اجازه بدهد صدام هر کاری بخواهد انجام دهد... ما نگذاشتیم این شرایط حاد به وجود بیاید و با پذیرش قطعنامه و تحمل شرایط، ما جنگ را به پایان رساندیم» (روزی طلب، ۱۳۸۹: ۲).

۵- عدم پشتیبانی جدی دولت از جنگ و کارشکنی در کار پشتیبانی از جبهه‌های جنگ آقای محسن رضایی نیز در این رابطه چنین می‌گوید: ما با سیاسیون اختلاف نظر داشتیم. ما می‌خواستیم دولت وارد جنگ بشود ولی دولت یا نمی‌خواست یا نمی‌توانست وارد جنگ بشود. تحلیل آن‌ها این بود که اگر ما بخواهیم همه امکانات را در اختیار جبهه بگذاریم، مشکلات اقتصادی مردم را آزار می‌دهد... اما حرف ما با مسئولان سیاسی این بود که اگر جنگ اصل است، دولت باید بیشتر از این امکانات را صرف جنگ کند (شوقی، ۱۳۹۰: ۹).

آقای هاشمی رفسنجانی در یادداشت ۴ بهمن ۱۳۶۱ خود اشاره می‌کند که امام خمینی در سخنان امروز خود، به دولت به خاطر نرسیدن به نیازهای جبهه، تاختند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۱: ۳۶۹). محسن رضایی یکی از دلایل اصلی ناکامی عملیات خیبر را کمبود شدید در تأمین امکانات اعلام می‌کند. وی می‌گوید: «از ۲ هزار قایق مورد نیاز تنها حدود ۵۰۰ فروند قایق تأمین شد و از ۷۰ فروند بالگرد مورد نیاز نیز تنها ۲۴ فروند در شرق هور به‌کارگیری شد» (رضایی میرفائذ، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

سردار غلامعلی رشید طی مصاحبه‌ای اظهار می‌دارد: «ما پس از عملیات خیبر، به آقای هاشمی و حتی مقام معظم رهبری به عنوان ریس جمهور گفتیم که با این هزینه‌ای که دولت آقای مهندس موسوی به پای جنگ هزینه می‌کند، قادر به پایان جنگ و یا همان هدفی که خود آقای هاشمی به صراحت تأکید می‌کرد، یعنی انجام یک عملیات سرنوشت‌ساز و گرفتن امتیاز برای پایان جنگ، نیستیم» (روزنامه ایران، ۱۳۸۷).

سردار شهید حسین همدانی نیز پشتیبانی دولت را اینگونه بیان می‌کند: «آیت‌ا... موسوی اردبیلی (رئیس وقت قوه قضاییه) درست زمانی که فرماندهان سپاه و ارتش درخواست کردند که دولت کمک‌های بیشتری به جنگ داشته باشد، رسماً اعلام کردند که ما فقط ۲۰ درصد از امکانات دولت و نظام را وارد جنگ کردیم و این نشان می‌دهد که تناسب بین دو جبهه نیست. آن طرف [عراق] سرازیر جبهه‌ها شده بود، ولی این طرف به رغم هشدارها توجهی نشد... تمام شهرداری‌های عراق در جبهه مسئولیت داشتند. اما وقتی به اعتراف یکی از سه قوه فقط ۲۰ درصد از امکانات را در اختیار جبهه گذاشتیم، مشخص است که موازنه از بین رفته و [اوضاع] به نفع آن‌ها تمام خواهد شد» (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۵).

محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه) نیز در سال ۱۳۶۵ می‌گوید: «یکی از مشکلات اساسی سپاه، در مورد نحوه برخورد [دولت] و بودجه دادن به سپاه است. یک عده زیادی در دولت و مسئولان - مخصوصاً قبل از حکم امام در سال ۶۴ در ذهن آن‌ها این بوده و هست که سپاه الان بنا به ضرورت وارد جنگ شده و فعلاً به هر طریق است، این را تحمل می‌کنیم تا جنگ که تمام شد، بعداً به سپاه می‌گوییم برود پی کارش. اینها در ذهنشان این بود که بعد از مسئله جنگ، بگویند سپاه ضرورتی ندارد و چون این در ذهنشان بود، لذا هیچ وقت یک بودجه درست و حسابی برای سپاه تصویب و تنظیم نمی‌کردند... ما با این کمبودها مواجه بودیم و به انحای مختلف و با تحمل سختی‌های بسیاری کار می‌کردیم؛ همین‌طور در خود عملیات هم با اینکه عملیات تصویب شده بود، ولی همچنان تا آخر، در دادن این امکانات و دادن این بودجه، تردید در مسئولان دولت وجود داشت» (سرمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

عدم حمایت جدی دولت از جنگ آنچنان واضح می‌شد که آقای هاشمی نیز در یادداشت ۶ مهر ۱۳۶۵ خود از قول آقای شمخانی نقل می‌کند که برخی از فرماندهان جبهه، عدم پشتیبانی [دولت] از یگان‌های عمل کننده را تعمدی می‌دانند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

در جایی دیگر محسن رضایی در مورد عدم حمایت دولت در بازه زمانی جنگ می‌گوید: «در جنگ می‌دیدیم که مدیریت و اقتصاد کشور، پشتیبان جنگ نیست؛ که اگر بود، ما سال پنجم، جنگ را با پیروزی قاطع تمام می‌کردیم» (صلواتی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

می‌توان از اظهارات مستند بالا نتیجه گرفت که نیروهای مسلح علاوه بر فشارهای ناشی از تحریم‌های بین‌المللی مبنی بر عدم همکاری دولت‌ها با جمهوری اسلامی ایران مجبور بودند فشارهای ناشی از برخی مسئولین در دولت را در راستای عدم حمایت آن‌ها نسبت به جنگ تحمل نمایند.

۶- جنگ و تأثیر آن بر روند اقتصادی ایران

در بررسی میزان تأثیر جنگ بر روند اقتصادی کشور باید چند نکته را مد نظر قرار داد. نکته نخست اینکه عراق در جبهه‌ای به طول بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر به ایران حمله کرد که شامل پنج استان خوزستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه (باختران) و جنوب آذربایجان غربی بود. در بین این پنج استان، استان خوزستان از اهمیت بالایی برخوردار بود چرا که بخش بزرگی از تأسیسات اقتصادی ایران همچون تأسیسات بندری، کارخانه فولاد، پالایشگاه نفت و... در این استان قرار داشت. نکته دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران در آن زمان تحریم اقتصاد قرار داشت و بالاخره اینکه اولین برنامه اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۲ تدوین شد، یعنی زمانی که تقریباً ۳ سال از جنگ گذشته

بود. تدوین کنندگان این برنامه با علم به محدودیت‌ها و شرایط موجود، آن را تهیه کردند و ظاهراً آن‌ها نگرانی چندانی نسبت به تأثیر این محدودیت‌ها بر اقتصاد کشور نداشتند (عظیمی، ۱۳۸۰: ۱۶). احتمالاً این عدم نگرانی از فضای انقلابی و روحیه ایثارگری موجود در جامعه و بین مقامات ناشی می‌شد. آن‌ها جنگ را به عنوان فرصتی برای خودکفایی تلقی می‌کردند و معتقد بودند ضمن ایستادگی در جنگ می‌توان به فعالیت‌های اقتصادی نیز پرداخت. با توجه به این ملاحظات، پیامدهای جنگ بر روند اقتصادی کشور را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. دوران نخست از زمان آغاز جنگ تا سال ۱۳۶۴ و دوران دوم از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ.

دوره نخست، آغاز جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۴: همان‌گونه که گفته شد در زمان دولت رجایی اولین تلاش‌ها برای تدوین برنامه اقتصادی آغاز شد و سال ۱۳۶۲ به عنوان سال شروع برنامه انتخاب شد. مقامات کشور به برنامه‌ریزان توصیه کردند که هیچ‌گونه محدودیت مالی را در نظر نگیرند (عظیمی، ۱۳۸۰: ۱۶). از این رو، بودجه سال ۶۲ بر اساس برنامه اول و خط‌مشی‌های آن نوشته شد. در بودجه سال ۱۳۶۲، ایجاد و گسترش واحدهای صنعتی کوچک در مناطق کشاورزی، روستایی و در جوار صنایع بزرگ به منظور ایجاد اشتغال مولد، تأمین نیازهای فوری کشاورزی، تکمیل و بهره‌برداری از صنایع مادر و صنایع ماشین‌سازی آلات کشاورزی، ایجاد و توسعه صنایع تبدیل کشاورزی و توسعه صنایع تولید کننده کالاهای اساسی مورد نیاز مردم پیش‌بینی شد و در جهت تحقق آن مبلغ ۸۲۹۹/۲ میلیون ریال اعتبار ملی و ۷۱۰۰ میلیون ریال اعتبار استانی در نظر گرفته شد. وزارت صنایع سنگین در سال ۱۳۶۲ جمعاً ۱۹۴۲ فقره موافقت اصولی صادر کرد که ۷۳ درصد آن مربوط به صنایع ماشین‌سازی، ساخت تجهیزات مربوط به کارگاه‌های کوچک بود (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۳: ص ۵-۱۴). طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش دولت در فعالیت‌های صنعتی افزایش یافت و این نقش را دولت از طریق اعمال حاکمیت و مدیریت بخش عظیمی از صنایع کشور ایفا کرد. در این راستا، دولت در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به سرمایه‌گذاری پروژه‌هایی همچون نوسازی کارخانه قند و شکر هفت تپه، کارخانه آذراب اراک، تکمیل واگن‌سازی اراک و طرح فولاد مبارکه اقدام نمود. دولت در بخش کشاورزی نیز به منظور به‌سازی تولید، اقداماتی از قبیل احداث کانال‌های آب (۴۸۵۰ کیلومتر) و لایروبی (۸۷۵۰ کیلومتر) و... زهکشی (۴۸۷۵۰ کیلومتر) کانال‌های موجود و تسطیح اراضی (۱۳۶۴۰۰ کیلومتر) را انجام داد (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴: ۴۰). سال ۱۳۶۳ ارزش افزوده بخش صنعت افزایش یافت و از ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۱۸/۳ درصد رسید. این افزایش عمدتاً از افزایش تولید صنایع بزرگ، بهبود وضع ارزی کشور و رفع پاره‌ای از تنگناها در تهیه مواد اولیه و وسایل یدکی مورد نیاز کارخانه‌ها در سال

۱۳۶۲ ناشی می‌شد. طی این سال‌ها طرح‌های عمده صنعتی مانند واگن‌سازی اراک، شرکت ملی صنایع مس ایران، تکمیل کارخانجات شیر ایران، کارخانه سیمان ری، کارخانجات مکانیک جدید، فاز ۱ و ۲ کارخانه ساخت ماشین‌آلات نساجی، و... به پایان رسید (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۵: ۷۶). در سال ۱۳۶۲ ایران در حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز به قیمت ۲۹ دلار صادر کرد. این مقدار تولید و قیمت، مطابق با پیش‌بینی برنامه نبود. این در حالی بود که به علت جنگ، استخراج نفت از میادینی مانند ابوذر، سروش، نوروز امکان‌پذیر نبود. درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به ترتیب به ۲۰/۴ و ۱۶/۶۶ میلیارد دلار رسید (رزاقی، ۱۳۶۹: ۱۰) که ۱۵ درصد از آن را به هزینه‌های نظامی و جنگ اختصاص داد. تخصیص این میزان بودجه برای جنگ، عمدتاً به این دلیل بود که رژیم پهلوی بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی خود را به خریدهای تسلیحاتی اختصاص داده بود و در آغاز جنگ ایران عمدتاً از آن‌ها استفاده می‌کرد. طی این دوره، خسارات اقتصادی ناشی از جنگ در حدود ۲۶/۷۸ درصد کل خسارات مستقیم جنگ را دربر می‌گرفت و کل خسارات مستقیم جنگ از سال ۱۳۵۹ تا ابتدای سال ۱۳۶۴ در حدود ۳۶/۹ درصد کل خسارات اقتصادی جنگ بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹: ۱۱).

دوره دوم، از سال ۱۳۶۷ - ۱۳۶۴: دوره دوم دارای دو ویژگی متمایز است: نخست اینکه در این دوره بر شدت جنگ افزوده شد و دو کشور به عملیات‌های نظامی گسترده‌ای دست زدند که از آن جمله می‌توان به عملیات والفجر ۸ و تصرف بندر فاو اشاره کرد. دوم اینکه گستره جغرافیایی درگیری‌ها افزایش یافت و علاوه بر مناطق مرزی، شهرها و مراکز اقتصادی را نیز دربر گرفت. این مسئله پیامدهای ناگواری برای ایران به دنبال داشت. نخستین آن، آسیب‌دیدگی بخش عمده‌ای از تأسیسات نفتی ایران بود. در ابتدای جنگ عراق حملات محدودی را به تأسیسات نفتی ایران انجام داده بود اما از سال ۶۴ به بعد با دریافت سلاح‌های جدید به ویژه هواپیماهای سوپر استاندارد و میراژ اف ۱ توانست به تأسیسات نفتی ایران و کشتی‌های نفتکش در دهانه خلیج فارس حمله کند. هدف عراق از این اقدام محروم کردن جمهوری اسلامی از درآمدهای نفتی و تحت فشار قرار دادن آن بود. حملات هوایی عراق به اسکله‌های نفتی جزیره خارک، به ویژه اسکله‌های تی و آذرپا و سکوه‌های نفتی ایران در خلیج فارس، عمدتاً با این هدف صورت می‌گرفت. آمریکا نیز در اواخر جنگ، سکوه‌های نفتی رسالت، رشادت، نصر و سلمان را هدف حمله قرار داد. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با حملات هوایی عراق دو اقدام را انجام داد. نخست آن که سامانه پدافندی اطراف جزیره خارک را بهبود بخشید و دوم آنکه با تنوع بخشیدن به ترمینال‌های صادرات نفتی خود، بخشی از آن‌ها را به گناوه و جنوب بوشهر انتقال داد و حتی اعلام کرد در صدد ساخت خط لوله

نفتی به ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه در روز برای ارسال نفت خام به جزیره دلوان است و جزیره سیری را برای انتقال نفت تجهیز می‌کند.

با دریافت هواپیماهای فرانسوی از سوی عراق، بعد جدیدی به جنگ داد. طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ به ترتیب ۴۴، ۹۱، ۱۵۹ و ۶۲ کشتی در خلیج فارس هدف حمله قرار گرفتند. به عبارتی در هر ماه ۷/۴ کشتی مورد حمله قرار گرفت. در اثر این حملات، به نرخ بیمه کشتی‌های عازم جزیره خارک ۲۵ صدم درصد افزوده شد و به ۷/۵ درصد ارزش محموله رسید. این مبلغ در حدود ۱ تا ۱/۵ دلار در هر بشکه بود. جمهوری اسلامی برای مقابله با حملات عراق به نفت‌کش‌ها هفت کشتی سوپر تانکر را جهت ذخیره‌سازی تحویل نفت به اروپا آماده کرد. همچنین شرکت بیمه ایران اعلام کرد که کلیه نفت‌کش‌های در اجاره ایران را بیمه خطر جنگ می‌نماید. مشکل جمهوری اسلامی در این مقطع تاریخی، تنها حمله به تأسیسات نفتی یا نفت‌کش‌هایش نبود، در اواخر سال ۱۹۸۴ در نتیجه کاهش رشد اقتصادی کشورهای صنعتی، افزایش تولید نفت کشورهای غیر اوپک و اختلاف اعضای سازمان اوپک، قیمت نفت به سرعت کاهش یافت. قیمت نفت در سال ۱۹۸۵ به ۱۲ دلار و در سال ۱۹۸۶ به زیر ۱۰ دلار رسید. جمهوری اسلامی ایران کاهش قیمت نفت و افزایش تولید نفت عربستان را توطئه‌ای علیه خود تلقی کرد و آقازاده، وزیر نفت، اظهار داشت: «استکبار قصد دارد با کاهش بهای نفت، اقتصاد ایران و درنهایت جنگ را تحت فشار قرار دهد» (کیهان، ۱۳۶۵: ۲). ایران تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را در جهت تشویق کشورهای عضو اوپک برای کاهش سقف تولید به منظور افزایش قیمت نفت به بالای ۲۰ دلار انجام داد. همچنین تلاش کرد با کمک کشورهای الجزایر و لیبی، عربستان را برای تغییر سیاست نفتی‌اش تحت فشار قرار دهد و از کاهش تولید اوپک تا سقف ۱۶ میلیون بشکه در روز حمایت کند. در اجلاس سه جانبه وزرای نفت و خارجه ایران، لیبی و الجزایر، جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد توقف تولید ۲ هفته تا یک ماه کشورهای صاحب نفت را ارائه کرد. حتی کاظم‌پور اردبیلی نماینده ایران در اوپک، کاهش قیمت نفت از سوی کشورهای نروژ و انگلیس را به عنوان ابزار اعمال اراده‌های امپریالیستی تلقی کرد و از کشورهای عضو اوپک درخواست کرد تحریم خریدهای بازرگانی یا اعمال محدودیت‌های وارداتی بر مصنوعات این کشورها را به مورد اجرا بگذارند (کیهان، ۱۳۶۴: ۲).

در اثر این تحولات، یعنی حملات به تأسیسات نفتی و کاهش تولید نفت ایران از یک سو و کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی از سوی دیگر باعث شد صادرات نفت ایران از ۲/۳ میلیون بشکه در سال ۱۳۶۲ به ۱/۴، ۱/۵۲ و ۱/۵۱ میلیون بشکه در سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ کاهش یابد و میزان درآمدهای نفتی نیز از ۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ به ۱۲، ۱۲/۵ و ۹ میلیارد دلار در

سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ برسد. این در حالی بود که در سال ۱۳۶۴ ارزش دلار در بازارهای بین‌المللی کاهش یافت و از سه مارک به یک مارک و از ۲۳۰ ین به ۱۳۰ ین رسید. اثرات مخرب این کاهش ارزش زمانی ملموس می‌شود که بدانیم آلمان و ژاپن به ترتیب ۱۸/۲۵ درصد و ۱۳/۵۵ درصد واردات ایران را در اختیار داشتند و کشورمان در تحریم آمریکا بود.

با گسترش دامنه و شدت جنگ، هزینه‌های نظامی نیز افزایش یافت. در ابتدا اگر جنگ محدود به حملات نظامی زمینی بود، در اواسط جنگ نقش تکنولوژی نظامی بیشتر شد. ایران برای مقابله با حملات عراق به ویژه جنگ شهرها به دو اقدام نظامی دست زد. نخست آن که اجرای عملیات گسترده به یک سنت سالانه تبدیل شد و در جامعه این انتظار شکل گرفت که نیروهای نظامی ایران هر ساله باید عملیات نظامی گسترده‌ای را انجام دهند. از آنجا که کشورهای تولیدکننده سلاح، فروش تسلیحات به ایران را تحریم کرده بودند، بنابراین سلاح‌های مورد نیاز در جبهه‌ها لزوماً با قیمت بالاتر از بازار سیاه تأمین می‌کرد که این امر به سهم خود افزایش هزینه‌های نظامی ایران را باعث می‌شد (کیهان، ۱۳۶۶: ۳).

بنابر اظهار وزیر برنامه و بودجه وقت، هزینه‌های دفاعی در کل بودجه سال ۱۳۵۹، ۱۸ درصد و در سال ۱۳۶۵، ۳۲ درصد و در سال ۱۳۶۶، ۳۴ درصد کل بودجه بوده است. در این باره آقای هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: «یک سوم بودجه کشور در سال ۶۵ صرف نیروهای مسلح شد و در سال ۶۶ علاوه بر بودجه جاری نیروهای مسلح یک چهارم بودجه کشور به جنگ اختصاص یافت». در سال ۱۳۶۵ میزان ارز تخصیص یافته به جنگ، ۴/۸ درصد نسبت به قبل افزایش یافت و این رشد در سال ۱۳۶۶ نسبت به سال ۱۳۶۵ به ۲۱/۹ درصد رسید. دولت در سال ۱۳۶۵، ۴۳۶ میلیارد ریال را به جنگ اختصاص داد (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۶: ۵).

۷- چرایی پایان جنگ در نامه‌های مسئولان اقتصادی و سیاسی به حضرت امام (ره)

شاید مهم‌ترین نکته که برخی از مسئولان سیاسی - اقتصادی وقت به ریاست میرحسین موسوی دنبال می‌کردند، نامناسب جلوه دادن شرایط جنگ و اقتصاد کشور بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در سال‌های پایانی جنگ دولت دست به هر کاری می‌زد تا جلوی ادامه جنگ را بگیرد. در سال ۱۳۶۷ نخست وزیر با استناد به گزارش مسئولان اقتصادی دولت، گزارش بلند بالایی را از وضعیت اقتصادی کشور تهیه کرده و در آن با اشاره به سقوط شاخص‌های کلان اقتصادی، خطاب به حضرت امام خمینی (ره) می‌نویسد: «وضعیت نگران‌کننده است. نفت‌مان را نمی‌خرند. تجهیزات

نظامی به پایان رسید. درآمد کشور نیز کاهش یافته و ذخایر ارزی رو به پایان است. دیگر کشور را نمی‌توان اداره کرد. هرچه زودتر باید جنگ را تمام کنیم» (مهرپرور، ۱۳۹۱: ۱۰). آقای هاشمی در مورد نامه مسئولان اقتصادی به امام خمینی (ره) می‌گوید: «مشکل ما از اینجا شروع شد که دولت به امام نامه نوشت و رسماً اعلام کرد که ما دیگر نمی‌توانیم هزینه جنگ را بدهیم» (درودیان، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

ایشان در جای دیگر می‌گوید: «دولت رسماً نامه نوشت به امام، یعنی وزیرای اقتصادی نامه نوشتند به امام که دیگر نمی‌توانیم از لحاظ اقتصادی جنگ را پشتیبانی کنیم» (درودیان، ۱۳۸۴: ۲۹). اما در مورد گزارش مسئولان سیاسی می‌توان به نامه آقای خاتمی اشاره کرد: «ماجرای این قرار بود که سید محمد خاتمی (وزیر ارشاد اسلامی که در عین حال ریاست ستاد تبلیغات جنگ را نیز بر عهده داشت)، در نامه‌ای به آقای هاشمی، به نبود روحیه قوی در میان جوانان برای ادامه جنگ اشاره کرده بود» (موحدی، ۱۳۸۹: ۳۰). آقای محسن رضایی نیز با اشاره به نامه آقای خاتمی می‌گوید: «نامه آقای خاتمی حکایت از آن داشت که بسیجی‌ها و مردم به جبهه نمی‌روند و ما در جبهه نیرو کم داریم» (روزی طلب، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

در رابطه با موضوع نامه‌های ارائه شده به امام خمینی (ره)، نکته قابل توجهی که در مورد ارائه یک نامه مفصل از سوی آقای هاشمی رفسنجانی وجود دارد، اظهارات حمید انصاری است، که در این رابطه عنوان می‌دارد: حمید انصاری بعدها در این رابطه اظهار می‌دارد: «مدتها قبل از پذیرش قطعنامه، مکاتبات و جلسات مسئولان نظامی و سران قوا با امام وجود داشت. به صورت مشخص از آنچه بیاد دارم، آقای مهندس موسوی، آقای محسن رضایی و برخی دیگر از مسئولان سپاه و ارتش در این رابطه به امام نامه نوشتند. آقای هاشمی رفسنجانی نیز نامه مفصلی نوشتند» (فروتنی، ۱۳۸۷: ۴۹۱). محسن رضایی طی مصاحبه‌ای در فروردین ۱۳۸۹، قسمت پایانی این سناریو را چنین توضیح می‌دهد: «آن زمان [فرمانده] سپاه نامه‌ای را برای آقای هاشمی رفسنجانی - نه امام - تنظیم کرد؛ زیرا امکانات کشور در اختیار مسئولان سیاسی کشور بود. در این نامه برای پیروزی در جنگ، امکاناتی خواسته شده بود. آقای هاشمی هم این نامه و هم چند نامه دیگر از جمله نامه آقای خاتمی وزیر ارشاد وقت، نامه میرحسین موسوی به عنوان مسئول دولت و نامه فرماندهان ارتش را با هم خدمت امام برد و گفته بود که نظامیان اینگونه می‌گویند و مسئولان سیاسی و اقتصادی هم می‌گویند پول نداریم. شما تکلیف را روشن کنید. امام هم با پذیرش قطعنامه موافقت کردند» (سایت خبری رجا نیوز، ۱۳۸۹).

۸- چرایی سیر قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل؛ از تصویب تا پذیرش قطعنامه توسط امام (ره)

در ابتدا و با تصویب قطعنامه ۵۹۸، امام (ره) به دلایل زیر از پذیرش آن خودداری فرمود که این مخالفت باعث فاصله زمانی از تصویب تا قبول آن توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی شد که در اینجا به چرایی مخالفت ایشان پرداخته می‌شود.

۸-۱- رسیدگی به جنایات صدام پیش شرط صلح

حضرت امام (ره) در ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ به مناسبت سال روز تأسیس جمهوری اسلامی ایران به ملت ایران فرمودند: «ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است. ما انتظار داریم تا هیئتی به تجاوزات و جنایات رسیدگی کامل نماید و ظالم و متجاوز را معرفی نموده و با آن، طوری عمل کنند تا عبرتی برای متجاوزان به حقوق بشر گردد؛ و با این شیوه نیز می‌توان صلح و آرامش را به جهان برگرداند» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۲۵۲).

۸-۲- تحقق صلح با قبول شرایط ایران

حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۶۱ در دیدار احمد سکوتوره رئیس‌جمهور گینه می‌فرمایند: «ما بارها اعلام کرده‌ایم که خواهان پایان جنگ و طالب صلحی هستیم که متجاوز را تنبیه و خسارات جنگ را بپردازند و این همه انسان بی‌گناه را که از خانه و زندگی خود آواره کرده‌اند به شهر و دیار خود بازگردانند» (صحیفه امام، جلد ۱۷: ۳۲).

۸-۳- پذیرش متجاوز بودن صدام از سوی جامعه جهانی

ایشان در تاریخ ۱ فروردین ۱۳۶۴ به مناسبت حلول سال جدید (عید نوروز) به ملت ایران و مسلمانان جهان می‌فرمایند: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم و این کسی که تعدی به ما کرده است، تودهنی به او بزنیم و تا این قضیه را دنیا قبول نکند این جنگ هست و جنگ هم از طرف آن‌ها هست، از طرف ما نیست» (صحیفه امام، جلد ۱۹: ۱۹۹).

۸-۴- بی‌اعتمادی به صدام

امام (ره) در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۲ در دیدار استانداران سراسر کشور می‌فرماید: «آقایان اشتباه می‌کنند، خیال می‌کنند که خوب، حالا ما جوان دادیم، من هم می‌دانم که بسیار ما خسارت دیده‌ایم، بسیار ما جوان دادیم، لکن صلح کردن با یک کسی که بعدش خنجر را از پشت محکم‌تر

خواهد زد، این یک صلح شرافتمندانه است؟ یک صلح عقلایی است؟ و عجب این است که بعضی آقایان می‌گویند که چنانچه آن‌ها آمده بودند توی کشور ما، ما تا فرد آخر جوان‌ها مان را می‌دادیم. خوب، این آن ملی‌گرایی است که اسلام مخالف با آن هست، مگر ما اسلام را کمتر از ملت خودمان می‌دانیم؟ اسلام را کمتر از کشور خودمان می‌دانیم؟ ما برای اسلام داریم فکر می‌کنیم. ما ملت عراق را با ملت خودمان جدا نمی‌دانیم» (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۳۸۵).

۸-۵- صدام مانع صلح

آن بزرگوار در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور در ۸ مهر ۱۳۵۹ فرمودند: «صدام حسین دستش را دراز کرده برای اینکه با ما مصالحه کند. ما با او مصالحه نداریم. یک آدمی است که کافر است، یک آدمی است که فاسد است، مفسد است و مفسد را ما نمی‌توانیم با او مصالحه کنیم. ما تا آخر با آن‌ها جنگ خواهیم کرد و ان‌شا... تعالی، پیروز خواهیم شد و هر یک از دول هم که با او همراهی بکند، ما هیچ ابداعتنایی نداریم به این» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۵۱).

۸-۶- غیر عقلانی بودن صلح تحمیلی

امام (ره) در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۶۲ در آستانه ماه مبارک رمضان در دیدار جمعی از مسئولان کشور می‌فرماید: «کدام عاقل این را می‌پذیرد؟ این ملتی که جوان داده است و حالا رسانده است به اینجایی که طرف مقابل را به عجز و لابه درآورده، باز اغفال بشود و مهلت بدهد که شما (دشمن) دست و پایتان را جمع کنید و حمله کنید و عربستان درست کنید و نمی‌دانم «خوزستان» را «عربستان» کنید و امثال اینها؛ باید ما بیدار باشیم و از این فریب‌ها بازی نخوریم» (صحیفه امام، جلد ۱۷: ۴۹۶).

۹- قطعنامه ۵۹۸ و علل تصویب آن در شورای امنیت سازمان ملل

قطعنامه ۵۹۸، به شماره سند S/RES/598(1987) شورای امنیت دارای یک مقدمه و ۱۰ بند است که در جلسه ۲۵۷۰ شورای امنیت مورخ ۲۰ جولای ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) به اتفاق آرا به تصویب رسید. بندهای قطعنامه بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد به شرح زیر است:

۱- شورا مطالبه می‌کند که به عنوان اولین قدم به سوی یک حل و فصل از طریق مذاکره، ایران و عراق به یک آتش‌بس فوری اقدام کنند و تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا متوقف کنند و همچنین تمام نیروها را بی‌درنگ تا سر حدت شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.

۲- از دبیر کل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم، نظارت بر آتش‌بس و عقب نشینی به مرزها اعزام کند. به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که

- ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام دهد و گزارش آن را به شورای امنیت تسلیم کند.
- ۳- شورا اصرار دارد که پس از توقف مخاصمات فعال بلادرنگ اسرای جنگی را بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، آزاد کند و عودت داده شوند.
- ۴- از ایران و عراق دعوت می‌شود که با دبیر کل در خصوص به اجرا در آوردن این قطعنامه و در کوشش‌های میانجیگرانه برای کسب یک حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه مورد قبول طرفین در مورد تمام موضوعات مهم، بر اساس اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری کنند.
- ۵- از تمامی دولت‌های دیگر دعوت می‌شود که حداکثر خویشتن‌داری را به عمل آورند و از هر اقدامی که ممکن است به تضاد و گسترش بیشتر مخاصمه منجر شود، احتراز جویند و بدین گونه به اجرا در آوردن قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.
- ۶- از دبیر کل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق مسئله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه به هیئتی بی طرف را بررسی کند و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد.
- ۷- عظمت خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش در جهت نوسازی، با امدادهای بین‌المللی در خور زمانی که مخاصمه خاتمه پذیرد، تصدیق می‌شود و در همین خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که هیئتی از کارشناسان را برای پژوهش در باب مسئله نوسازی تعیین کند و به شورای امنیت گزارش دهد.
- ۸- به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، طرق افزایش امنیت و ثبات را مورد مذاقه قرار دهد.
- ۹- از دبیر کل درخواست می‌شود که شورای امنیت را در مورد به اجرا در آوردن این قطعنامه، به طور مداوم مطلع کند.
- ۱۰- شورای امنیت تصمیم دارد که برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر و تضمین اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد (همتی و همکاران: ۱۳۹۳، ۳۸۵).
- گروهی هدف شورای امنیت را در صدور قطعنامه ۵۹۸ در موارد زیر خلاصه می‌کنند:
- الف) اعاده حیثیت سازمان ملل متحد در درجه اول به عنوان نهاد حافظ صلح بین‌المللی؛ زیرا شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های بی حاصل عدم توانایی خود را در اذهان جهانی تقویت می‌کرد، بنابراین در وهله نخست به منظور نمایش قدرت، نشان دادن توانایی و صلاحیت خود در حل مناقشات بین‌المللی، حاضر شد تسلیم خواست به حق جمهوری اسلامی ایران شود و امتیاز شناسایی آغازگر جنگ را به او بدهد.

ب) جلوگیری از سقوط صدام؛ حامیان صدام به خوبی دریافتند که ایران با تصمیمات تهاجمی خود در جنگ، ممکن است رژیم صدام را به سقوط بکشاند، بنابراین به این نتیجه رسیدند که ایجاد حرکت سیاسی تازه در منطقه ضروری است تا نقش عملیات رزمندگان ایران را در ایجاد تحولات سیاسی منطقه بی اثر کند.

ج) تقویت روحیه حامیان رژیم عراق به منظور جلب حمایت بیشتر آن‌ها نسبت به صدام، تشدید روند کمک‌های تسلیحاتی و سیاسی آن‌ها، حفظ وجهه منطقه‌ای جنگ ایران و عراق و سلب امکان دفاع مشروع از ایران.

شورای امنیت بر اساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ اصل دفاع مشروع را از جمهوری اسلامی ایران سلب کرد. زیرا بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، کشور مورد تجاوز حق دفاع مشروع را از خود دارد تا زمانی که شورای امنیت تدابیر لازم اجرایی را اتخاذ کند.

وزیر امور خارجه وقت، علی اکبر ولایتی در این مورد تصریح داشت: «ما دلیلی نمی‌بینیم قطعنامه‌ای را برای تحمیل عقاید، که ناعادلانه و غیرمنصفانه است، بپذیریم». او صریحاً گفت: «قطعنامه شورای امنیت مورد قبول ما نیست».

۱۰- چرایی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی (ره) در پیام‌های ایشان

۱۰-۱- قبول قطعنامه بر اساس نظر کارشناسان

امام خمینی (ره) در بخشی از پیام خود در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷ که خطاب به حجاج بیت‌الله الحرام صادر کردند، می‌فرمایند: «اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بوده این است که من تا چند روز قبل، معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی- نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دل‌سوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم» (صحیفه امام (ره)، جلد ۲۱: ۹۲).

۱۰-۲- پذیرش قطعنامه به مصلحت نظام و کشور

ایشان می‌فرمایند: «خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده معظم شهدا؛ و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم...؛ قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی

راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم...؛ شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز، فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشته و اگر آبرویی داشتم، با خدا معامله کرده‌ام...» (صحیفه امام (ره)، جلد ۲۱: ۹۳).

۱۰-۳- نفی دخالت خارجی در پذیرش قطعنامه

امام (ره) در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷ به ملت ایران فرمودند: «من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است» (صحیفه امام (ره)، جلد ۲۱: ۹۵).

۱۰-۴- نفی سازش با کفر

ایشان در جایی دیگر فرمودند: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم؛ ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند...؛ آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است؛ که اگر بند بند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم» (صحیفه امام (ره)، جلد ۲۱: ۹۸).

۱۰-۵- تاکتیکی نبودن پذیرش قطعنامه

ایشان در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در جلسه‌ای با فرمانده وقت سپاه برادر رضایی فرمودند: «ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدهند» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۰۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در تجزیه و تحلیل و بررسی پرسش اصلی این مقاله یعنی چرایی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی و تأثیر آن در قبول قطعنامه ۵۹۸ می‌توان اینگونه بررسی کرد که با توجه به مواضع و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در باره جنگ تحمیلی و پذیرش صلح، ایشان از همان ابتدای شروع جنگ تأکید بر دفع تجاوز دشمن داشته و خواهان در اولویت قرار دادن این مسئله توسط مردم و مسئولان شده

و هر ساله آن را مورد تذکر قرار داده و حتی کسانی که دم از سازش با دشمن می‌زنند، یا جاهل معرفی می‌نماید و یا مزدور. ایشان در بحث سازش با ظالم این دیدگاه را داشته‌اند که سازش با ظالم یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند و آن را خلاف رأی انبیاء می‌دانست و بارها فریاد جنگ جنگ تا پیروزی را سر می‌دهند تا اینکه دنیا این قضیه را قبول کند که جنگ از طرف کشور مقابل (عراق) بوده است. ایشان در جایی هم سازش و صلح تحمیلی را بدتر از جنگ معرفی می‌نماید، زیرا پذیرش صلح و قطعنامه را در جهت اهداف استکباری معرفی می‌نمودند و حتی دو هفته قبل از پذیرش قطعنامه نیز هر گونه تردید در ادامه جنگ را خیانت به اسلام و رسول... (ص) تعبیر کردند و قاطعانه خواستار ادامه مقاومت بودند. همان‌گونه که ملاحظه شد، امام خمینی (ره) تا چند روز پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز همچنان معتقد به ادامه جنگ برای تنبیه متجاوز و اجتناب از پذیرش صلح تحمیلی بودند و این عقیده هیچ‌گاه در ایشان سست نشد. این دیدگاه نیز در مواضع مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای (مدظله العالی) که در آن زمان رئیس جمهور وقت کشور بوده نیز قابل مشاهده است. استناد به اینکه ایشان بارها در خطبه‌های نماز جمعه و حتی در مصاحبه‌های مختلف با تأکید به عدم صلح و پذیرش تحمیلی و غیر عادلانه، آن را رد نموده و این موضوع ادعای صلح طلبی را فقط یک ادعا می‌داند تا دشمن بتواند خود را نجات دهد که بعد از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه به خوبی برای همگان روشن شده است. در تحلیل دیدگاه سایر مسئولان سیاسی شاید به این سؤال بتوان پاسخ داد که علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چه بوده است.

در بررسی پشتیبانی از جنگ می‌توان اینگونه تجزیه و تحلیل نمود که عدم پشتیبانی جدی دولت وقت از جنگ و کارشکنی در پشتیبانی از جبهه‌ها، با اینکه امام (ره) بارها مسئله جنگ را در رأس امور کشور اعلام می‌دارد ولی دولت به بهانه‌های مختلف از این امر سرباز می‌زند و حمایت جدی و کامل خود را از جنگ انجام نمی‌دهد، در صورتی که به نظر می‌رسد صدام از این موقعیت به خوبی استفاده کرده، به طوری که تمامی شهرداری‌های عراق در جبهه مسئولیت داشتند و به طور جدی جنگ را حمایت می‌کردند. از طرفی دیگر نامه‌های مسئولان سیاسی و اقتصادی به حضرت امام (ره) نیز نامناسب جلوه دادن شرایط جنگ و اقتصاد کشور را عنوان می‌کردند. از جمله آن‌ها می‌توان به نامه آقای خاتمی به عنوان ریاست ستاد تبلیغات جنگ که از نبود روحیه قوی در میان جوانان برای ادامه جنگ اشاره کرده بود و یا به نامه نخست وزیر وقت (به استناد گزارش مسئولان اقتصادی دولت) که ایشان به امام (ره) اینگونه می‌نویسند، که وضعیت اقتصادی نگران کننده است و نفت را نمی‌خرند، تجهیزات نظامی به پایان رسیده، در آمد کشور کاهش یافته و ذخایر ارضی رو

به پایان است، اشاره نمود و حتی می‌توان به دو نامه سپاه و ارتش اشاره کرد که در آن امکانات زیادی برای ادامه جنگ درخواست شده بود. ولی از منظر آقای هاشمی رفسنجانی که در آن دوران فرمانده جنگ و جانشین فرماندهی کل قوا بود، پذیرش قطعنامه یا تقصیر مردم بوده که به جنگ نمی‌رفته‌اند، یا تقصیر رزمنده‌ها بوده که خوب نمی‌جنگیدند، یا به خاطر شرارت‌های صدام حسین و آمریکا بوده و یا به خاطر تسلیم و اعلام ناتوانی از ادامه جنگ توسط نخست وزیر که ایشان طی یک نامه بسیار مفصل، به همراه سایر نامه‌های ارسال شده به نزد امام (ره) فرستادند. در ادامه هر یک از آن‌ها را پاسخ داده و تحلیل خواهد شد:

۱- در مورد شرارت‌های صدام و آمریکا می‌توان گفت که این اظهار نظر با توجه به بمباران و موشک باران شهرها، استفاده گسترده رژیم صدام از سلاح‌های شیمیایی، حمایت همه جانبه آمریکا از صدام و همکاری با عراق در حمله به نیروهای ایرانی، حمله به هواپیمای مسافربری ایران و ... مسائل جدیدی نبود که صرفاً در تیر ماه ۱۳۶۷ بروز کرده و امام (ره) را به خاطر آن مجبور به پذیرش قطعنامه نماید.

۲- در مورد ادعای بی‌انگیزه شدن رزمندگان (اشاره به نامه آقای خاتمی) می‌توان گفت اولاً به فرموده حضرت امام (ره) آنچه که در صحنه نبرد تعیین کننده است، قدرت ایمان، انگیزه و اراده افراد است نه جمعیت زیاد و زیادی اسلحه. دوم اینکه چه کسانی باعث بی‌انگیزه شدن برخی رزمندگان و فرماندهان جبهه‌ها شدند. سردار شهید حسین همدانی اینگونه پاسخ می‌دهد: «یکی از اشتباهات این بود که فرمانده جنگ [آقای هاشمی] بعد از عملیات کربلای ۵، از پایان جنگ سخن گفت و رزمندگان احساس کردند نیازی به ادامه دادن جنگ نیست. خبر اینکه می‌خواهیم مذاکره کنیم و جنگ را تمام کنیم، به جبهه‌ها رسید و روحیه رزمندگان را به هم ریخت» (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۵). سوم اینکه حضرت امام (ره) بارها در مورد عدم تمایل آتش‌بس تأکید کرده بودند به طوری که خود آقای هاشمی در مصاحبه با روزنامه کیهان در سال ۱۳۸۲ در این مورد می‌گوید: «امام مایل نبودند که اصلاً بحث آتش‌بس، صلح و پایان جنگ مطرح شود و این را باعث دلسردی نیروها در جبهه می‌دیدند» (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۵).

۳- در مورد ادعای نرفتن مردم به جبهه از طرف آقای هاشمی رفسنجانی، سردار فضلی (فرمانده سابق لشکر سیدالشهداء) در مورد استقبال مردم به جبهه‌ها می‌گوید: «برای اجرای عملیات کربلای ۴ و عبور از رودخانه اروند و تصرف جزایر ام‌الرصاص، با کثرت رزمندگانی که در جبهه نمونه آن وجود نداشت، مشکلی نبود ... کمبود نیرو نداشتیم» (ماهنامه پیام انقلاب، ۱۳۹۰: ۵۴). یا رئیس جمهور وقت (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) نیز در هفته اول فروردین ۱۳۶۷ در مراسم مانور سپاهیان

امام حسین (ع) خراسان می‌فرمایند: «از ابتدای جنگ تا امروز، هر زمان که مسئولان جنگ به مردم حتی به اشاره‌ای نیاز جبهه‌ها را اعلام کرده‌اند، مردم با کمال شوق و رغبت، بدون اندکی درنگ به جبهه‌ها شتافته و سنگرها را پر کرده‌اند... مردم ما هر چه پیش می‌رویم، نسبت به ادامه دفاع مقدس خود مصمم‌تر می‌شوند» (حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۲۸۶). محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه پاسداران) نیز می‌گوید: «وقتی امام (ره) قطعنامه را پذیرفت، آنقدر مردم به سمت جبهه‌های جنگ هجوم بردند و به سمت جبهه‌ها نیرو فرستادند که ما دیگر قادر نبودیم آن‌ها را تدارک کنیم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

۴- در مورد اعلام ناتوانی دولت برای تأمین مالی ادامه جنگ (اشاره به نامه نخست وزیر وقت) نیز می‌توان به اظهارات آقای میرحسین موسوی اشاره کرد. در زمانی که آقای روغنی زنجانی (وزیر برنامه و بودجه در دولت میرحسین موسوی) در نامه‌ای به امام (ره) اعلام می‌دارد که پول کافی برای ادامه جنگ نداریم. ایشان بعداً به آقای محسن رضایی گفتند که این نظر دولت نبوده است. پس چرا آقای موسوی همان موقع این گزارش خلاف را تکذیب نکرده‌اند.

۵- در مورد نامه فرمانده وقت سپاه در مورد نیازمندی‌های جنگ ایشان اظهار می‌دارد که ما این نامه را به آقای هاشمی نوشته بودیم نه حضرت امام (ره) که البته این خود جای بحث دارد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌ای که از تجزیه و تحلیل در قسمت قبل به آن اشاره شد می‌توان گفت: از منظر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پذیرش قبول صلح یعنی قبول ظلم از طرف ظالم، اما پیرامون نتیجه این پژوهش، چرایی پایان جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸ را می‌توان در کلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران یافت که:

۱- قبول قطعنامه بر اساس نظر کارشناسان بوده و فرمودند: «اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بوده این است که من تا چند روز قبل، معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی- نظامی سطح عالی کشور که من به تعهد و دل‌سوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم».

۲- پذیرش قطعنامه به مصلحت نظام و کشور بوده و فرمودند: «خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده معظم شهدا؛ و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را

سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم...؛ قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم...؛ شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز، فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشته و اگر آبرویی داشتم، با خدا معامله کرده‌ام.

اما سه اصل دیگر از فرمایش‌های امام (ره) در پذیرش صلح نتیجه گرفته می‌شود که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) نفی دخالت کشورهای خارجی در پذیرش قطعنامه برای امام (ره) مهم و قطعی بوده و فرمودند: «من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است».

ب) نفی سازش با کفر نیز جزء اصولی که امام (ره) به آن پایبند بود و فرمودند: «کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم؛ ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند...؛ آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است؛ که اگر بند بند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند؛ اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم».

ج) تاکتیکی نبودن پذیرش قطعنامه جزء واقعیتی بود که امام (ره) پیرامون آن فرمودند: «ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدهند».

در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی می‌توان پذیرش قطعنامه توسط امام (ره) را نیز از کلام و سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بیان نمود که ایشان طی سخنانی در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۷۵ در این مورد می‌فرمایند: «قبول قطعنامه از طرف امام (ره) به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولان آن روز کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه ادامه دهد. امام (ره) مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید آمریکا نبود... اگر همه دنیا در امر

جنگ دخالت می‌کردند، امام رضوان... علیه، کسی نبود که رو برگرداند. آن [پذیرش قطعنامه] یک مسئله داخلی بود؛ مسئله دیگری نبود» (سایت اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۷۵).

پیشنهادهات

با بررسی‌های به عمل آمده و تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و یادداشت‌های متفاوت از شخصیت‌های اصلی نظام که در آن زمان مسئولیت اداره جنگ را داشتند (اعم از سیاسی، نظامی و اقتصادی) و جهت روشن شدن افکار عمومی و بر طرف نمودن شبهات پیرامون مسائل پایان جنگ می‌توان به یک پیشنهاد اساسی و نتیجه بخش اشاره نمود و آن اینکه می‌توان با تشکیل جلسات مناظره در بین مسئولان سیاسی و نظامی و حتی کارشناسان آگاه در رسانه جمعی (صدا و سیما) اشاره نمود تا با تحلیل و بحث پیرامون مسائل جنگ این موضوع را مورد بررسی قرار داده، تا بتوان به یک پاسخ واحد رسیده و همگان را به یک روشنی بدون تردید برسانند و یا خود مردم با بررسی نظر صاحب‌نظران و کارشناسان به یک پاسخ روشن و قانع کننده برسند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- صحیفه نور (۱۳۷۸)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، کلیه جلد‌های چاپ شده.
- ۳- زهرانی، مصطفی، «بررسی نظریه پایان جنگ»، فصلنامه نگین ایران، تهران، مرکز مطالعات جنگ سپاه، سال سوم، شماره دوازدهم، ۳۴، ۱۳۸۴.
- ۴- صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسترن (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۵- رستمی، محمود (۱۳۷۸)، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- همتی، ایرج، صفایی فسخودی، داود (۱۳۹۳)، دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸، تهران، صفحه جدید، ۳۸۵.
- ۷- سایت اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۳۷۵.
- ۸- فروتنی، زهرا (۱۳۸۷)، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۹- سایت خبری رجا نیوز، سوم فروردین ۱۳۸۹ در وبگاه www.rajanews.com.
- ۱۰- درودیان، محمد (۱۳۸۴)، روند پایان جنگ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- ۱۱- مهرپرور، مهدی، «اوضاع بد بود یا مدیران دولت موسوی خود را باخته بودند؟»، هفته‌نامه ۹ دی، ۱۰، ۷، ۱۳۹۱.
- ۱۲- صلواتی، علی رضا (۱۳۸۶)، «سیاستمداران جوان»، تهران، اطلاعات، ص. ۲۱۱.
- ۱۳- سرمدی، سعید (۱۳۹۰)، بررسی عملیات والفجر ۸: محسن رضایی در گفتگو با راویان جنگ تحمیلی - مرداد ۱۳۶۵، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۱۴- رضایی میرقائد، محسن (۱۳۹۰)، جنگ به روایت فرمانده، به اهتمام پژمان پورجباری، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۵- شوقی، مصطفی، «حدس می‌زدیم بعد از امام منافقین به کشور حمله کنند»، هفته‌نامه مثلث، ۹، ۹، ۸ خرداد ۱۳۹۰.
- ۱۶- غضنفری، کامران (۱۳۹۲)، راز قطعنامه (چرایی و چگونگی پایان جنگ)، تهران، شرکت انتشارات کیهان.
- ۱۷- اردستانی، حجر (۱۳۹۰)، کتاب دوم چیستی و چرایی جنگ تحمیلی، تهران، مرز و بوم.
- ۱۸- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷)، امید و دلواپسی، به اهتمام سارا لاهوتی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
- ۱۹- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۸)، اوج دفاع، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
- ۲۰- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۱- خجسته رحیمی، رضا، «دلگیر شدم»، هفته‌نامه شهروند امروز، ۸۵، ۶ مرداد ۱۳۸۷.
- ۲۲- علایی، حسین، «نگاهی به روند پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ تیر ۱۳۹۰.
- ۲۳- درودیان، محمد (۱۳۸۳)، علل تداوم جنگ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۲۴- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۶۳)، به سوی سرنوشت؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
- ۲۵- انصاری مهدی، فوزی یحیی و لطف‌الله‌زادگان علی‌رضا (۱۳۸۰)، ماجرای مک فارلین، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۲۶- «چهار ساله دوم؛ گزارشی از دومین دوره ریاست جمهوری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای»، اطلاعات، ۲۸۹، ۱۳۶۸.
- ۲۷- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۰)، پایان دفاع آغاز بازسازی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

- ۲۸- حیدری، محمد، «یکسال جنگ پس از قطعنامه»، هفته‌نامه شهروند امروز، ۹۲، ۶ مرداد ۱۳۸۷.
- ۲۹- روزی طلب، محمد حسن، «پذیرش جام زهر»، روزنامه ایران، ویژه‌نامه سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ۲، ۲۷ تیر ۱۳۸۹.
- ۳۰- حسینی مقدم، سید صادق، «روحیه رزمندگان را در سال پایانی جنگ تضعیف کردند»، نشریه منور، ویژه‌نامه روزنامه جوان، ۱۵، مهر ۱۳۹۰.
- ۳۱- صدیقیان، امیر، «نبرد سرنوشت ساز»، ماهنامه پیام انقلاب، ۵۴، دی ۱۳۹۰.
- ۳۲- مصاحبه با حسین عظیمی، مجله دفاعی امنیتی، ۱۶، تابستان ۱۳۸۰.
- ۳۳- وزارت برنامه و بودجه، «گزارش اقتصادی سال ۶۲»، ۱۴-۵، ۱۳۶۳.
- ۳۴- وزارت برنامه و بودجه، «تحولات بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور طی سال‌های ۶۴-۶۰»، ۴۰، ۱۳۶۴.
- ۳۵- رازقی، ابراهیم، (۱۳۶۹)، الگوی توسعه اقتصاد ایران، تهران، نشر توسعه.
- ۳۶- کیهان هوایی، ۱۰/۲/۱۳۶۵، ص ۲.

**The Reason and Quality of the end of the
Imposed War and its Impact on the
Acceptance of Resolution 598**

R. Shahgholian Ghahfarokhi

Abstract

The United Nations Security Council Resolution 598 was approved unanimously on Tir 30, 1366 and the Islamic Republic of Iran, formally accepted on Tir 27, 1367, and shortly thereafter, the official cease-fire between Iran and Iraq was established with monitoring UN agents .

The aim of this study is to answer the main question of the research on “The Reason and Quality of the end of the imposed war and its impact on the acceptance of Resolution 598” by the founder and architect of the Islamic Revolution, Imam Khomeini. Due to the nature of the subject and in order to answer major and minor questions, this research enjoyed a descriptive-analytical method and, on other hand, it was applied-theoretical based on its kind. The method and tool used for data collection was library, documentation and online resources. The results show a clear answer to the question that, firstly, The Reason and Quality of the end of the imposed war was due to the list of problems the authorities of the country showed to Imam Khomeini, saying that they could not continue the war with high costs, and, secondly, the decision Imam Khomeini made after the acceptance of Resolution 598 that said in the current situation, what caused this was my divine assignment.

Keywords: Resolution 598, imposed war, end of war